

سیاست شوروی در ایران در پایان جنگ جهانی دوم

در پرتو اسناد محرمانه‌ای که اخیراً افشا شده است

انور خامه‌ای

اشاره: از آنجا که ملت کثیرالاقوام مادر تاریخ معاصر خود شاهد فرازونشیب‌های بسیار بوده است، بر آن شدیم تا مقاله تحقیقی و مبتنی بر اسناد آقای دکتر انور خامه‌ای را در این شماره درج کنیم؛ باشد که دوست را از دشمن شناخته و بین حقوق مصرح خود در قانون اساسی و مطامع امریکای معتاد به نفع مرزبندی نماییم.



سیاسی حزب کمونیست اتحاد شوروی (پولیت بورو) در تاریخ ۶ ژوئیه ۱۹۴۵ (۱۵ تیر ۱۳۲۴ شمسی) به "رفیق باقروف" (میرجعفر باقروف رئیس جمهور آذربایجان شوروی) فرمان می‌دهد که: "یک حزب دموکراتیک در آذربایجان جنوبی به نام "فرقه دموکرات آذربایجان" با هدف رهبری جنبش جدایی طلب در آذربایجان جنوبی تأسیس کنید... در میان کردهای ساکن شمال ایران برای جذب آنها در یک جنبش جدایی طلب که یک ناحیه خودمختار ملی کرد را تشکیل دهد اقدامات مناسب

صورت دهید. یک گروه از فعالان مسئول را در تبریز که به هماهنگی فعالیت‌هایشان با سرکنسولگری اتحاد جماهیر شوروی در تبریز موظف باشند، برای هدایت جنبش جدایی طلب تشکیل دهید." در همین سند "پولیت بورو" فرمان "تأسیس گروه‌های رزمی مسلح (یعنی ارتش جمهوری خودمختار جدایی طلب آذربایجان) به سلاح‌های ساخت خارج (یعنی شوروی) جهت حوایج دفاعی اهالی هوادار شوروی و فعالان تشکیلات دموکراتیک و حزبی جنبش جدایی طلب" را صادر می‌کند و مسئولیت انجام آن را به عهده ژنرال بولگانین و باقروف می‌گذارد. افزون بر این در چند جای دیگر این سند واژه‌های "جنبش خودمختار جدایی طلب" و "آذربایجان جنوبی" تکرار شده است.

آیا دولت شوروی آن‌گونه که بیشتر تاریخ‌نگاران پیشین می‌پنداشتند فقط خواهان جدا کردن استان‌های آذربایجان و کردستان از ایران و الحاق آنها به اتحاد شوروی بود؟ سندهای افشاشده اخیر نشان می‌دهد که توسعه طلبی دولت شوروی بسیار فراتر از این دو استان می‌رفت و شامل سراسر شمال ایران می‌شد.

در عنوان همان سند شماره (۲) گرچه مواد آن فقط مربوط به جدایی آذربایجان و کردستان است، می‌خوانیم: "فرمان دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به میرجعفر باقروف صدر کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان در مورد اقداماتی جهت سازماندهی یک جنبش جدایی طلب در آذربایجان جنوبی و دیگر ایالات شمالی ایران." بنابراین در همان زمان صدور این فرمان هدف سیاست شوروی

سال‌های پایانی جنگ جهانی دوم (۱۳۲۴ و ۱۳۲۵) از تاریک‌ترین و سوال‌برانگیزترین سال‌های تاریخ کشورمان است. در این سال‌ها سه دولت استعمارگری که ایران را به زور اشغال کرده بودند نمتها از تخلیه آن طبق قراردادی که امضا و تعهد کرده بودند خودداری کردند، افزون بر آن دشواری‌های فراوانی برای ملت ما فراهم آوردند و حتی استقلال و تمامیت ارضی کشورمان را مورد تهدید قرار دادند و یکی از آنها یعنی دولت شوروی آشوب‌هایی در شمال و غرب کشورمان برپا کرد که اگر با مقاومت دلیرانه ملت ایران روبه رو نشده بود

به جدایی بخش مهمی از کشورمان و احتمالاً تجزیه ایران می‌انجامید. از نظر پژوهش تاریخی این آشوب‌ها یعنی برپایی "فرقه دموکرات آذربایجان" و "فرقه دموکرات کردستان" و مسائل دیگری در شمال ایران دو پرسش عمده مطرح است: ۱. چرا دولت شوروی این آشوب‌ها را به راه انداخت و هدفش از این کار چه بود؟ ۲. چرا هنگامی که همه ناظران و بسیاری از دست‌اندرکاران گمان می‌کردند زمان پیروزی این توطئه فرارسیده است، دولت شوروی ناگهان از اتمام آن خودداری کرد و با صدوهشتاد درجه عقب‌گرد در سیاست خود تمام آنچه هواداران او در ایران رشته بودند، پنبه کرد؟

تاریخ‌نگاران و پژوهشگران تاریخ به این دو پرسش در گذشته، پاسخ‌های گوناگونی داده‌اند. اما اینک که پس از فروپاشی شوروی اسناد محرمانه آن دولت افشا شده است واقع‌بینانه‌تر و دقیق‌تر به آنها می‌توان پاسخ گفت. هدف من از نگارش این مقاله همین است. در ضمن آن به اسناد مزبور استناد خواهم کرد و از نظر اهمیتی که این اسناد دارند، متن آنها را در پایان مقاله خواهم افزود.

سابقاً پاسخ بسیاری از تاریخ‌نگاران و پژوهشگران به پرسش نخست این بوده است که دولت شوروی می‌خواسته است استان آذربایجان و کردستان را نخست از ایران جدا کند و به صورت جمهوری مستقلی درآورد و سپس آن را ضمیمه جمهوری آذربایجان شوروی کند و به اصطلاح خودش "آذربایجان شمالی و جنوبی" را به هم پیوند دهد. اکنون اگر به این اسناد مراجعه کنیم موارد فراوانی خواهیم یافت که می‌تواند مویید این نظر باشد. در سند شماره (۲) دفتر

محدود به آذربایجان و کردستان نبوده و شامل سراسر شمال ایران می شده است. اما در فرمان بعدی "دفتر سیاسی" که به تاریخ ۱۴ ژوئیه ۱۹۴۵ (۲۳ تیر ۱۳۲۴) صادر شده است این مسئله کاملاً صریح و با ذکر جزئیات بیان شده است. در بند "ت" این فرمان آمده است: "در ایالات گرگان، گیلان، مازندران و خراسان براساس مسائل محلی و بویژه موارد ذیل، جنبش های جدایی طلب ایجاد شود. سپس شعارهایی را که در هریک از استان های بالا می توان در پیرامون آن جنبش جدایی طلبی ایجاد کرد آورده است، از جمله "در ایالت گرگان آموزش زبان بومی ترکمنی در مدارس" و "جایگزینی ترکمن هادر موسسات محلی و ژاندارمری و پلیس" و غیره را ذکر کرده است. نکته جالب در این فرمان این است که جنبش جدایی طلب در این استان ها باید همگام با جدایی طلبان آذربایجان و کردستان پیش روند یعنی هم خودمختاری و جدایی استان خود را بخواهند و هم از جدایی طلبی آذربایجان و کردستان پشتیبانی نمایند. بدین منظور در بند ۴ سند شماره (۳) توصیه شده است که "پس از استقرار کمیته های موسس فرقه دموکرات آذربایجان در تبریز کمیته های محلی فرقه دموکرات آذربایجان" افزون بر شهرهای دیگر این استان در شهرهای "قزوین، رشت، پهلوی (انزلی)، ساری، شاهی، گرگان و مشهد" نیز تأسیس شوند. وظیفه این کمیته ها ظاهراً می بایست سازماندهی پشتیبانی متقابل "جنبش های جدایی طلب" این استان ها از فرقه دموکرات آذربایجان و این فرقه از آن جنبش ها باشد.

نکته جالب دیگر در این سند که نشانه سراسری بودن توطئه دولت شوروی در شمال ایران است مسئولیت مشترکی است که برای اجرای آن به عهده حزب توده ایران و فرقه دموکرات آذربایجان می گذارد. در بند ۱ این سند می خوانیم: "وسایل سفر پیشه وری و کامبخش به باکو برای مذاکره فوراً سازماندهی شود. با توجه به نتایج این مذاکرات تأمین وسایل سفر پادگان صدر کمیته ایالتی حزب توده در آذربایجان به باکو در نظر گرفته شود." می دانیم که حزب توده یک حزب سراسری بود و در همه استان ها بویژه در استان های شمالی، سازمان گسترده ای داشت، بنابراین آیا احضار کامبخش مسئول تشکیلات این حزب به باکو و شرکتش در تصمیم گیری های جدایی طلبانه نشانه گستردگی این توطئه نیست؟! رهبران حزب توده از جمله مرحوم ایرج اسکندری در خاطر اتشان از جریان تأسیس فرقه دموکرات آذربایجان اظهار بی اطلاعی کرده و پیوستن "کمیته ایالتی آذربایجان" را به "فرقه" عملی خود سرانه دانسته اند. در حالی که مسئول تشکیلات این حزب از آن آگاه و آن را تصویب کرده بوده است، آیا کامبخش مأموریت خود را از کمیته مرکزی پنهان داشته بوده است؟! یا این که اسکندری و دیگر رهبران حزب توده حقیقت را کتمان می کردند؟! سند شماره (۱) که فرمان استالین صدر شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی به تاریخ ۲۱ ژوئن ۱۹۴۵ (۳۱ خرداد ۱۳۲۴) درباره عملیات اکتشاف نفت در سراسر شمال ایران است، نیز می تواند موید نیت سوء دولت شوروی نسبت به

استقلال و تمامیت ارضی کشور ما تلقی شود. در آن تاریخ دولت شوروی هیچ گونه مجوزی برای عملیات اکتشافی در ایران نداشت و مجلس شورای ملی ایران نیز طبق قانونی هرگونه مذاکراتی در باره اعطای امتیاز به کشورهای خارجی را ممنوع کرده بود. بنابراین عملیات اکتشاف توسط ارتش اشغالگر شوروی در شمال ایران ناقض حقوق بین المللی و جرم شناخته می شد. این سند که علاقه وافر و بی تابانه دولت شوروی را به بهره برداری از منابع نفت شمال ایران نشان می دهد می تواند علت عمده توطئه بعدی دولت شوروی برای جداساختن شمال ایران باشد.

اکنون به بررسی پرسش دوم و یافتن پاسخ آن بپردازیم. آنچه پیش از هر چیز به نظر می رسد تفاوت زمانی میان این دو پرسش و در نتیجه اختلاف شرایط سیاسی و اجتماعی میان آنهاست، پرسش اول که مورد بررسی قرار دادیم مربوط به سال ۱۹۴۵ (۱۳۲۴) و هنگامی است که جنگ جهانی دوم تازه در اروپا به پایان رسیده و ارتش شوروی پیش از متفقین وارد برلین شده و قهرمان آزادی اروپا با از سر ناز بیسم به شمار می رفت، جنگ در اقیانوس آرام دوام داشت و نخستین بمب اتمی در اواخر این سال روی هیروشما افکنده شد. در ایران دولت شوروی شمال کشور را اشغال کرده و قصد تخلیه آن را نداشت. حکومت صدراالاشراف برای سرکوب حزب توده و شورای متحده احزاب و روزنامه های آزادیخواه مستقر گردیده و به رأی و نظر مجلس نیز توجهی نداشت. اما عقب نشینی شوروی یکسال پس از آن صورت گرفت، در آن زمان جنگ سرد هنوز آغاز نشده بود، اما امریکا با فتح و اشغال ژاپن و داشتن سلاح اتمی بزرگترین قدرت در جهان به شمار می رفت، در حالی که آسیبی هم از جنگ ندیده بود. انگلیس و بویژه شوروی که بیشترین آسیب را از جنگ دیده بودند چشم کمک و یاری به سوی او دوخته بودند. شمال ایران از نیروهای شوروی تخلیه شده بود. حکومت قوام السلطنه که خود را دوست شوروی نشان می داد روی کار آمده و قراردادی برای بهره برداری مشترک نفت شمال ایران با دولت شوروی امضا کرده بود، اما باید به تصویب مجلس شورای ملی می رسید که لازمه انتخابات آن آرامش سیاسی و امنیت در سراسر کشور می بود. اما ظاهراً دولت انگلیس و شاید امریکا و اکثریت هیئت حاکمه ایران صلاح خود را در چنین آرامشی نمی دیدند و به ناامنی و آشوب در جنوب ایران کمک می کردند. "اتحادیه اعراب" در خوزستان و "اتحادیه عشایر جنوب" در فارس علم طغیان برافراشته و ادعای خودمختاری این دو استان را می کردند و تهدید به جداسختن می نمودند.

از سوی دیگر دولت ایران علیه مداخلات دولت شوروی در شمال ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد شکایت کرده و شورا، رسیدگی به آن را پذیرفته بود. در چنین شرایطی دولت شوروی ناگزیر بود از حداکثر توقعات خود در ایران چشم ببوشد و به آنچه مهم تر و حیاتی تر از همه است یعنی بهره برداری از نفت اکتفا کند. بهره برداری از منابع نفت شمال ایران برای شوروی حیاتی

در مورد تهدید ترومن به استفاده از بمب اتمی علیه شوروی که بعضی ها آن را عامل عقب نشینی شوروی دانسته اند سخن بسیار رفته است و پژوهشگران گوناگونی درباره آن تحقیق کرده اند، نتیجه این پژوهش ها این است که چنین تهدیدی صورت نگرفته و ترومن از اظهار آن قصد تبلیغ برای خود داشته است

بود و اولویت داشت. در سند شماره (۱) می بینیم که استالین شخصاً با چه دقتی و موشکافی دستور تهیه مقدمات آن را صادر کرده است. در حقیقت شوروی برای ترمیم خسارات و ویرانی هایی که هنگام جنگ بر آن وارد آمده بود نیاز مبرم به ۶۰۰ هزار بشکه نفت داشت، در حالی که کل تولید نفت باکو فقط ۶ هزار بشکه بود و منابع نفت اورال و جاهای دیگر روسیه هنوز کشف نشده یا به مرحله بهره برداری نرسیده بودند. از این گذشته، استالین و رهبران دیگر شوروی مطابق عقاید مارکسیستی خود اقتصاد را مادر سیاست می دانستند و معتقد بودند اگر بهره برداری از نفت شمال ایران را به چنگ آورند و "شرکت مختلط نفت ایران و شوروی" تشکیل و در سراسر شمال ایران مستقر گردد عملاً شمال ایران به منطقه نفوذ آنها مبدل خواهد شد و نیازی به توطئه و آشوب نخواهد بود. از سوی دیگر تشکیل شرکت مختلط و آغاز بهره برداری نیاز به تصویب قرارداد قوام-سادچیکف و اساسنامه این شرکت در مجلس ایران داشت و برای تشکیل مجلس پانزدهم باید انتخابات انجام می گرفت. دولت شوروی بیم آن داشت که اکثریت این مجلس قرارداد مزبور را تصویب نکند یا در اساسنامه شرکت مختلط تغییرات بنیادی دهد. از این رو در سند شماره (۲) می بینیم که بند "ب" آن با عنوان "تضمین انتخاب نمایندگان انتخابات دوره پانزدهم مجلس" کلاً مربوط به اطمینان یافتن از داشتن اکثریت وابسته به سیاست شوروی در آن است و "دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی" در توصیه های خود تاجایی پیش می رود که فرمان "حذف و اخراج" نامزدهای احزاب و سازمان هایی را که موافق سیاست شوروی نیستند، صادر می کند!!

به همین مناسبت دولت شوروی تا زمانی که مطمئن نیست اکثریت مجلس را خواهد داشت عملاً جلو انجام انتخاباتی که خودش خواهان آن است و برای آن به دولت قوام فشار می آورد، می گیرد و نمی گذارد نیروهای انتظامی دولت ایران از شریف آباد فراتر روند! اما هنگامی که در کنفرانس وزرای خارجه دولت های بزرگ در مسکو وزیران خارجه انگلیس و آمریکا تعهد می کنند که به تصویب قرارداد نفت کمک کنند و دولت شوروی از بهره برداری نفت شمال مطمئن می شود، تمام فرمان های پیشین خود را فراموش می کند و کاخ پوشالی جنبش های خودمختار و جدایی طلب فرومی ریزد.

این حقیقت که سرنوشت شمال ایران در کنفرانس مسکو تعیین شد، مسلم است و من فتوکی اسناد از طبقه بندی خارج شده انگلیس و آمریکا را در دست دارم که نشان می دهد آنها به تعهد خود پای بند بوده اند و نه تنها مخالفتی با تصویب قرارداد قوام-سادچیکف نکرده اند، که برعکس بوبن وزیر خارجه انگلیس به سفیر این کشور در ایران دستور می دهد که "تمام کوشش خود را به کار برید که این طرح به تصویب برسد چون من آن را به استالین قول داده ام." در مورد آمریکا این اسناد حاکی است که سفیر آمریکا موظف است هیچ گونه مخالفتی با تصویب آن نکند و تصمیم را به خود نمایندگان مجلس واگذارد. اما جان وایلی سفیر آمریکا به رغم این

ادبیات و فرهنگ ۱۳۵۵
ایران

متن اسناد افشا شده شوروی سند شماره ۱

فرمان کمیته دفاع دولتی [اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی]
شماره ۹۱۶۸ اس. اس؛ در مورد اقدامات اکتشافی زمین شناسی برای
نفت در شمال ایران.

۲۱ ژوئن ۳۱/۱۹۴۵ خرداد ۱۳۲۴

رونوشت

فوق محرمانه

کمیته دفاع دولتی

فرمان GOKO [کمیته دفاع دولتی] شماره ۹۱۶۸ اس. اس. مورخ
۲۱ ژوئن ۱۹۴۵

مسکو، کرملین

عملیات اکتشافی زمین شناسی، برای نفت در شمال ایران.

با هدف بررسی های زمین شناسی و اقدامات حفاری برای نفت در
شمال ایران، کمیته دفاع دولتی فرمان می دهد:

۱- در چارچوب [بخش] "آذنت" [نفت آذربایجان]
مجموعه نارکوم نفت [کمیسیاریای خلق برای نفت] یک
مدیریت هیدروژئولوژیک تشکیل داده
و وظیفه نظارت بر بررسی های
زمین شناختی برای حوزه های نفتی در
شمال ایران را به آن واگذار کنید.

۲- برای اجرای این کار شناسایی در
شمال ایران نارکوم نفت (رفیق بایاکوف)
و آذنت (رفیق وزیروف) را از جهت تأمین
تعداد کارگران لازم از صنعت نفت برای
حفاری و گروه های بررسی و اعزام آنها به
حوزه های کاری به صورت واحدهای
هیدروژئولوژیک وابسته به ستاد نیروهای
شوروی در ایران (قزوين)، مسئول بدانید.

۳- برای واحد هیدروژئولوژیک جهت
اجرای اقدامات ذیل در شمال ایران،
هیئتی را مستقر سازید:

الف) حفاری

**استالین و رهبران دیگر شوروی
مطابق عقاید مارکسیستی خود
اقتصاد را مادر سیاست
می دانستند و معتقد بودند اگر
بهره برداری از نفت شمال ایران را
به چنگ آورند و "شرکت مختلط
نفت ایران و شوروی" تشکیل و در
سراسر شمال ایران مستقر گردد
عملاً شمال ایران به منطقه نفوذ
آنها مبدل خواهد شد و نیازی به
توطئه و آشوب نخواهد بود**

ده تلمبه در هفت ناحیه، از جمله سه تلمبه ثابت (حفاری عمیق برای جست و جوی ساختاری) در نواحی بندر شاه، شاهی، بابلسرو [بندر] پهلوی.

ب) بررسی زمین‌شناختی: هیئت مرکب از ده گروه در مناطق دشت گرگان، اشرف، شاهی، آمل، خرم‌آباد، بلگارچای [؟]، جلفا، زنجان، تبریز، اردبیل و سیاه‌کوه.

پ) بررسی‌های زمین‌شناختی: هیئت مرکب از سه گروه در مناطق دشت گرگان، اراضی پست مازندران ورشت و درکل کرانه جنوبی دریای خزر از مرز جمهوری شوروی ترکمنستان تا مرز جمهوری شوروی آذربایجان.

برای انتقال ابزار لازم حفاری و اکتشاف از اول سپتامبر ۱۹۴۵ جهت شروع کار حفاری و اکتشاف در سپتامبر ۱۹۴۵ نارکوم نفت (رفیق بابایاکوف) را مسئول تلقی کنید.

۴. برای سازماندهی و اعزام یک هیئت اکتشافی مرکب از ده گروه؛ یک گروه حفاری چاه و الکترومتر، یک هیئت ژئوفیزیک مرکب از سه گروه (ثقل‌سنجی، مقاومت‌سنجی (Variometric) و از طریق انتقال از باکو، [گروه] (Variometric) از شعبه ولگای میانه نارکوم نفت، [گروه] مقاومت‌سنجی از منطقه کراسنودار؛ تا اول اوت ۱۹۴۵، نارکوم نفت (رفیق بابایاکوف) را مسئول بدانید.

۵. با هدف تجهیز واحد هیدرولوژیک به تدارکات، وسایل و ابزارهای لازم [ارگان‌های ذیل] را مسئول بدانید:

الف) نارکوم نفت (رفیق بابایاکوف) باید در اوت ۱۹۴۵ [اقدام ذیل] را در اختیار مدیریت هیدرولوژیک قرار دهد: پنج دستگاه تلمبه، وسایل حفاری و یک دستگاه حفاری گردان؛ چهار دستگاه چارچوب ZV-750، وسایل حفاری و ملزومات آنها؛ سه میله حفاری (۱۲۰۰ متر) و ابزار لازم جهت تلمبه‌های KA-300 و دیگر وسایل و تجهیزات لازم برای اقدامات واحد هیدرولوژیک.

ب) نارکوم ونستورگ [کمیساریای خلق برای تجارت خارجی] (رفیق میکویان) موظف است که در ژوئن - ژوئیه ۱۹۴۵، پانزده تراکتور و صد و بیست کامیون از واردات [خودروهای ؟] سوار نشده از ایران را به واحد هیدرولوژیک تحویل دهد.

پ) ژنرال فرمانده جهت ماورای قفقاز رفیق تیولنف موظف است که فضای اداری و اقامتی لازم را در قزوین و مناطق عملیاتی در اختیار واحد هیدرولوژیک قرار داده و همچنین با استفاده از افراد واحدهای نظامی برای سوار کردن صد و بیست کامیونی که به واحد هیدرولوژیک اختصاص یافته، مساعدت نماید.

ت) کمیساریای خلق برای امور دفاعی اتحاد جماهیر شوروی (رفیق وربویف) [مارشال فرمانده نیروهای مهندسی، سرپرست نیروهای مهندسی ارتش شوروی] موظف است که تا اول اوت ۱۹۴۵ دو واحد کامل و آماده به کار حفاری سیار AVB-2-100، یک دستگاه حفاری AVB-2-100، یک تانکر آب Zis-5 و یک کامیون ۱/۵ تن با وسایل لازم و یک چارچوب UA-125 با سه گروه حفار را در اختیار واحد هیدرولوژیک در ایران قرار دهد.

ث) کمیساریای خلق برای امور دفاعی اتحاد جماهیر شوروی [ژنرال

ارتش، فرمانده پشت جبهه ارتش شوروی] (رفیق خرولف) موظف است از کارگاه‌های تعمیرات فرماندهی حمل و نقل [ارتش] شوروی در ایران پنج دستگاه کامیون ۱۲ تن ماک، ۷ دستگاه تریلر الواربری و پانزده دستگاه [جیب] ویلیز را که در شرایط مناسب کاری باشند در اختیار واحد هیدرولوژیک قرار داده و در کارگاه‌های بخش تعمیرات فرماندهی حمل و نقل [ارتش] شوروی در ایران، تسهیلات لازم را جهت تعمیر وسایل حفاری و خودروهای [هیئت] را فراهم سازد.

۶. ژنرال فرمانده جبهه قفقاز (رفیق تیولنف) را از نظر فراهم آوردن نیروی محافظه، یک گروه اسکورت برای هیئت‌های اعزامی، ارائه نقشه‌های لازم و همچنین تأمین لباس و مدارک مورد نیاز واحد هیدرولوژیک؛ برای ارائه همراهی‌های لازم با واحد هیدرولوژیک جهت اقدامات حفاری و اکتشافی مسئول بدانید.

۷. نارکوم فین [کمیساریای خلق برای امور مالی]، (رفیق زورف) را برای سپردن هشت میلیون روبل، به علاوه ۲۴۰۰۰۰۰ ریال به مدیریت هیدرولوژیک مجمع آذنت برای تأمین مواد و تجهیزات حمل و نقل و نگهداری از کارکنان، در محصول سوم و چهارم سال ۱۹۴۵، مسئول بدانید.

۸. به کمیساریای خلق برای امور داخلی (NKVD) جمهوری شوروی آذربایجان اجازه داده شود که برای کارکنان اعزامی نارکوم نفت و مجمع آذنت جهت امور مدیریت هیدرولوژیک، جواز ورود به ایران را صادر کنند.

۹. رفیق ملیک پاشایف به عنوان رئیس مدیریت هیدرولوژیک، رفیق گیداروف به عنوان رئیس مدیریت هیدرولوژیک در نهاد فرماندهی نیروهای شوروی در ایران و رفیق کورنرف به عنوان معاونت مدیریت هیدرولوژیک تأیید شوند.

۱۰. نارکوم نفت (رفیق بابایاکوف) و آذنت (رفیق وزیروف) شخصاً مسئول نظارت بر تأمین خدمه و متخصصان مهندس و فنی واحد هیدرولوژیک و فراهم آوردن ابزار و تجهیزات لازم جهت اقدامات حفاری و زمین‌شناختی در شمال ایران، تلقی می‌شوند.

۱۱. دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان، رفیق باقروف را از جهت هرگونه کمک و همراهی با اقدامات بررسی زمین‌شناختی در شمال ایران مسئول بدانید.

صدر کمیته دفاع ملی ای. استالین

گواهی: [امضا ندارد]

[مأخذ]

[مأخذ آرشیو دولتی برای احزاب سیاسی و جنبش‌های اجتماعی جمهوری آذربایجان، باکو (GAPPODAZR), fl, op. 89, d. 104]

سند شماره ۲

فرمان دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به میر [جعفر] باقروف صدر کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان در مورد اقداماتی جهت سازماندهی یک جنبش جدایی طلب در آذربایجان جنوبی و دیگر ایالات شمالی ایران، ۶ ژوئیه ۱۵/۱۹۴۵ تیر ۱۳۲۴.



فوق محرمانه
به رفیق باقروف

اقداماتی جهت سازماندهی یک جنبش جدایی طلب در آذربایجان جنوبی و دیگر ایالات شمال ایران:

شروع اقدامات تدارکاتی در جهت تشکیل یک ناحیه [Oblast] خودمختار ملی آذربایجانی با اختیارات گسترده در چارچوب دولت ایران توصیه می شود.

یک حزب دموکراتیک در آذربایجان جنوبی به نام "حزب دموکراتیک آذربایجان" [از این پس "فرقه دموکرات آذربایجان"] با هدف رهبری جنبش جدایی طلب در آذربایجان جنوبی تأسیس کنید.

تأسیس حزب دموکرات آذربایجان جنوبی باید با یک تجدید سازمان توأمان بخش آذربایجانی حزب توده ایران و جذب هواداران جنبش جدایی طلب از تمامی اقشار مردم بدان صورت گیرد.

در میان کردهای ساکن شمال ایران برای جذب آنها در یک جنبش جدایی طلب که یک ناحیه خودمختار ملی کرد را تشکیل دهد، اقدامات مناسب صورت دهید.

یک گروه از فعالان مسئولان را در تبریز که به هماهنگی فعالیت هایشان با سرکنسولگری اتحاد جماهیر شوروی در تبریز موظف باشند، برای هدایت جنبش جدایی طلب تشکیل دهید. سرپرستی کلی این گروه به باقروف و یعقوبف واگذار می شود.

تهیه و تدارک اقدامات اولیه برای برگزاری انتخابات دوره پانزدهم مجلس ایران [با هدف] تضمین انتخاب هواداران جنبش جدایی طلب براساس شعارهای ذیل به کمیته مرکزی (باقروف و ابراهیموف) حزب کمونیست آذربایجان سپرده شود.

الف) واگذاری زمین از اراضی خالصه و املاک بزرگ اربابی به دهقانان و اعطای اعتبارهای درازمدت مالی به دهقانان.

ب) از میان بردن بیکاری از طریق اعاده و توسعه کار در موسسات و همچنین برنامه های احداث راه و دیگر طرح های فوآند عامه.

پ) بهبود موسسات رفاه عمومی در شهرها و آبرسانی عمومی.
ت) بهبود بهداشت عمومی.

ث) اختصاص حداقل ۵۰٪ از مالیات های دولتی به حوایج محلی.

ج) حقوق برابر برای اقلیت های ملی و عشایر، افتتاح مدارس و انتشار کتب و روزنامه به زبان های آذربایجانی، کردی، ارمنی و آشوری؛ سیر مراحل دادرسی و مکاتبات رسمی در نهادهای محلی به زبان های بومی؛ تأسیس نظام اداری محلی.

از جمله ژاندارمری و پلیس با استفاده از عناصر ملی محلی؛ تشکیل انجمن های منطقه ای، محلی و شهری [و] نهادهای خودگردان محلی.

د) بهبود اساسی در روابط ایران و شوروی.

ه) تأسیس گروه های رزمی مسلح به

سلاح های ساخت خارج جهت حوایج دفاعی اهالی هوادار شوروی [و] فعالین تشکیلات دموکراتیک و حزبی جنبش جدایی طلب. اعمال این مورد به رفیق [نیکولای] بولگانین همراه با رفیق باقروف احاله شود.

۷- یک انجمن برای مناسبات فرهنگی میان ایران و جمهوری شوروی آذربایجان با هدف تقویت اقدامات فرهنگی و تبلیغاتی در آذربایجان جنوبی تأسیس کنید.

۸- برای جذب توده ها به جنبش جدایی طلب تأسیس یک "انجمن دوستان آذربایجان شوروی" را در تبریز با شعباتی در تمام مناطق آذربایجان جنوبی و گیلان لازم می دانیم.

۹- تدارک انتشار یک نشریه مصور در باکو برای توزیع در ایران و همچنین سه نشریه جدید در آذربایجان جنوبی به کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان شوروی محول گردد.

۱۰- از OGIZ [بنگاه انتشارات دولتی] (بودین) خواسته شود تا سه دستگاه چاپ مسطح برای بهره برداری کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان شوروی جهت فراهم آوردن امکانات چاپی [baza Tipografskaya] برای فرقه دموکرات آذربایجان جنوبی، ارائه کند.

۱۱- نارکوم ونشتورگ [کمیساریای خلق برای تجارت خارجی] (رفیق آناستاز میکیویان) به تأمین کاغذ خوب جهت چاپ نشریه مصور در باکو و همچنین سه روزنامه جدید در آذربایجان جنوبی - با حداقل تیراژ ۳۰۰۰۰ نسخه - متعهد گردد.

۱۲- به کمیساریای خلق برای امور داخلی [NKVD] جمهوری شوروی آذربایجان اجازه داده شود که تحت نظارت رفیق باقروف برای تردد افرادی که جهت به اجرا درآوردن این اقدامات باید به ایران اعزام شوند، مجوز لازم صادر شود.

۱۳- برای تأمین مالی نهضت جدایی طلب در آذربایجان جنوبی و همچنین [تدارک شرکت] در انتخابات دوره پانزدهم مجلس ایران، یک صندوق ویژه به اعتبار یک میلیون روبل ارز خارجی - برای تبدیل به تومان - در کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی تأسیس شود.

۶ ژوئیه

دفتر سیاسی حزب کمونیست اتحاد شوروی
[مآخذ آرشیو دولتی برای احزاب سیاسی و جنبش های اجتماعی جمهوری آذربایجان، باکو.
((GAPPOD, AZR), fl, Op, 89, d. 90, 11. 4-5

سند شماره ۳

دستورالعمل های محرمانه شوروی در مورد اقداماتی که باید جهت اجرای مأموریت ویژه در سراسر آذربایجان جنوبی و ایالات شمالی ایران اعمال شود، ۱۴ ژوئیه ۱۹۴۵/۲۳ تیر ۱۳۴۵ کاملاً محرمانه

اقداماتی برای اجرای مأموریت ویژه در سراسر آذربایجان جنوبی و ایالات شمال ایران، الف. موضوع تأسیس فرقه دموکرات آذربایجان:

سند شماره (۱) که فرمان استالین

صدر شورای وزیران اتحاد جماهیر

شوروی به تاریخ ۲۱ ژوئن ۱۹۴۵ (۳۱

خرداد ۱۳۲۴) درباره عملیات

اکتشاف نفت در سراسر شمال

ایران است، نیز می تواند موید

نیات سوء دولت شوروی نسبت به

استقلال و تمامیت ارضی کشور ما

تلقی شود

۱. وسایل سفر پیشه‌وری و کامبخش به باکو برای مذاکره فوراً سازماندهی شود. با توجه به نتایج این مذاکرات، تأمین وسایل سفر یادگان، صدر کمیته ایالتی حزب توده در آذربایجان، به باکو در نظر گرفته شود.

۲. برای تأسیس کمیته‌های موسس در مرکز (تبریز) و دیگر نقاط [Namestakh] در عرض یک ماه کاندیداهایی را از میان عناصر واقعی دموکرات از میان روشنفکران، تجار طبقه متوسط، زمینداران کوچک و متوسط و روحانیون در احزاب دموکراتیک مختلف و همچنین از میان غیرحزبی‌ها انتخاب کرده و به کمیته‌های موسس فرقه دموکرات آذربایجان وارد کنید. تشکیل یک کمیته موسس در تبریز که از طریق انتشار یک فراخوان از طریق نشریات دموکراتیک موجود [مانند] خاورنو، آذرب، جودت و غیره، خواهان تأسیس یک حزب دموکراتیک آذربایجان شده و به نشر جزواتی اقدام خواهد کرد، در اولویت نخست قرار دارد.

۳. با انتشار فراخوان، گروه‌های آغازگر در دیگر نقاط به حمایت از آن در جراید سخن گفته و از میان فعال‌ترین سازمان‌های حزب توده و دیگر سازمان‌ها و عوامل دموکراتیک، کمیته‌های فرقه دموکرات آذربایجان را تشکیل خواهند داد.



۴. پس از استقرار کمیته‌های موسس فرقه دموکرات آذربایجان در تبریز، تأسیس کمیته‌های محلی فرقه دموکرات آذربایجان در شهرهای ذیل از اولویت نخست خواهد بود: اردبیل، رضائیه، خوی، میانه، زنجان، مراغه، مرند، مهاباد، ماکو، قزوین، رشت، پهلوی، ساری، [شاهی]، گرگان و مشهد.

برای سازماندهی کمیته‌های این شهرها نمایندگان را از کمیته موسس مرکزی اعزام دارند. به صورتی منظم و انکس‌های مثبت و دعوت به عضویت در فرقه دموکرات آذربایجان را در جراید دموکراتیک منتشر کنید

۵. تحت عنوان "صدای آذربایجان" یک نمایندگی مطبوعاتی در کمیته موسس فرقه دموکرات آذربایجان در تبریز تأسیس کنید.

۶. تدوین پیش‌نویس برنامه و منشور کمیته موسس تبریز را سازماندهی کنید.

ب) تضمین انتخاب نمایندگان انتخابات دوره پانزدهم مجلس

۱. با نمایندگانی که آنها را در انتخابات این دوره از مجلس حمایت می‌کنیم برای مذاکره در باب معرفی آنها برای شرکت در مجلس پانزدهم، به شرط حمایت از شعارهای فرقه دموکرات آذربایجان، وارد مذاکره شوید.

۲. برای معرفی نامزدهای نمایندگی مجلس از میان عناصر دموکراتیکی که برای اجرای شعارهای فرقه دموکرات آذربایجان مبارزه خواهند کرد، اقدام کنید.

۳. بررسی مجدد فهرست نمایندگان پیشنهاد شده از سوی سفارت با توجه به [این] وظایف جدید.

۴. سازماندهی تبلیغ گسترده کاندیداهای منتخب برای مجلس در جراید و تماس و ملاقات آنها با رأی‌دهندگان.

۵. حمایت از گروه‌هایی، تظاهرات، اعتصاب‌ها و انحلال [Razgon] کمیسیون‌های انتخاباتی‌ای که با ما منافات دارند با هدف تضمین منافع ما در انتخابات.

۶. در خلال تدارکات انتخاباتی، کاندیداهای معرفی شده از سوی محافل ارتجاعی را که به نحوی فعالانه بر ضد کاندیداهای

جنبش دموکراتیک فعالیت می‌کنند، از حوزه‌های انتخاباتی شمال ایران حذف و اخراج کنید.

۷. خواست جایگزینی روسای مرتجع از نهادهای محلی [Vlasti] طرح شود.

پ) تأسیس "انجمن دوستان آذربایجان شوروی"

۱. در مورد سازماندهی "انجمن دوستان آذربایجان شوروی" از نمایندگانی که در جشن یادبود بیست و پنجمین سال [تأسیس] جمهوری شوروی آذربایجان شرکت کردند، استفاده شود.

۲. از کارمندان کنسولگری‌های ما، فرماندهی نظامی و اعضای فعال [حزبی] برای تشکیل انجمن استفاده شود.

۳. گروه موسس "انجمن دوستان آذربایجان شوروی" در تبریز باید تدوین منشور انجمن را عهده‌دار گردد.

۴. برای جلب هر چه گسترده‌تر مردم به "انجمن دوستان آذربایجان شوروی" به صورتی منظم از جراید برای بیان دستاوردهای اقتصادی، فرهنگی و هنری آذربایجان شوروی و دوستی تاریخی خلق‌های آذربایجان جنوبی و خلق‌های آذربایجان شوروی بهره‌برداری شود.

ت) سازماندهی جنبش جدایی طلب

۱. برای شکل دادن به یک جنبش جدایی طلب در جهت تأسیس یک منطقه خودمختار آذربایجانی [و] یک منطقه خودمختار کرد با اختیارات گسترده اقدام شود.

در ایالات گرگان، گیلان، مازندران و خراسان براساس مسائل محلی و بویژه [موارد ذیل]، جنبش‌های جدایی طلب ایجاد شود:

در ایالت گیلان: فراهم آوردن خدمات رفاهی و اجتماعی و در شهرهای رشت [و] پهلوی، اختصاص حداقل ۵٪ از کل مالیات‌های مأخوذه در محل برای این منظور.

در ایالت گرگان، آموزش زبان بومی ترکمنی در مدارس، جایگزینی ترکمن‌ها در موسسات محلی، ژاندارمری و پلیس، اختصاص حداقل ۵٪ از کل مالیات‌های مأخوذه در محل برای خدمات رفاهی و آسایشی و بهداشتی در گنبدکاووس، گرگان و بندر شاه.

در ایالات مازندران و خراسان:

۱. اعاده املاکی که رضاشاه گرفته بود به مالکان جزء و متوسط.

۲. اختصاص حداقل ۵٪ از مالیات‌های مأخوذه در محل برای خدمات عمومی و رفاهی و بهداشت شهرهای ساری، شاهی، مشهد و قوچان نو.

به علاوه برای شکل دادن به یک جنبش جدایی طلب در ایالات فوق به انعکاس چنین خواسته‌هایی در سطوح محلی اقدام شود. خواست اصلاحات ارضی نه فقط در آذربایجان جنوبی که در نواحی شمال ایالات ایران نیز مطرح گردد.

ث) تشکیل انجمن‌ها

۱. پس از استقرار کمیته‌های موسس فرقه دموکرات آذربایجان هم‌زمان با اقدامات لازم جهت انتخاب نمایندگان دوره پانزدهم مجلس، با استفاده از شوق انتخاباتی مردم، اقداماتی برای تشکیل انجمن‌ها صورت گیرد.